

•
•

کلود ریویر

جامعه انسان شناسی

ادبیات

•

ترجمه و توضیح: علیرضا احامد



● سرشناسه: ریویر، کلود، ش ۱۹۶۷ - م. Rivière, Claude ● عنوان و نام پدیدآور: جامعه - انسان شناسی ادیان/کلود ریویر؛ ترجمه و توضیح علیرضا خدای؛ ویرایش واحد ویرایش نشر نی (الهام مهرایی). ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷.
● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷. ● مشخصات ظاهری: ۴۱۱ ص. ● شابک: 9-585-185-964-978 ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: Socio-anthropologie des religions ● موضوع: انسان شناسی دین Anthropology of religion؛ دین و جامعه شناسی Religion and sociology؛ دین Religion؛ تجدید Modernity. ● شناسه افزوده: خدای، علیرضا، ۱۳۴۲ - ، مترجم. ● رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج ۲ / ۹ / GN ۴۷۰ ● رده بندی دیویی: ۳۰۶/۶ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۲۵۶۳

قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

جامعه - انسان شناسی ادیان

کلود ریویر

ترجمه و توضیح: علیرضا خدای

ویرایش: الهام مهرایی

صفحه آرای: سهیلا یوسفی

طرح جلد: پرویز بیانی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷، ۷۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۵۸۵-۹

نشرنی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱ تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴ تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹ شماره: ۸۹۷۸۲۴۶۴

WWW.nashreney.com; Email: info@nashreney.com; nashreney

تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۳	دیباچه مترجم
۱۹	پیش گفتار
۲۰	پرسش‌های راهنما برای یک 'روح پادشاهی'
۲۲	پراکندگی رشته‌ای در علوم ادیان
۳۳	بخش نخست: میدان انسان‌شناسی دینی
۳۵	فصل نخست: دین و امر قدسی
۳۵	پرسش‌های انسان‌شناسی درباره دین
۳۵	دین و ادیان
۳۷	در جست‌وجوی امر یقین
۴۱	میدان خاص امر دینی
۴۲	کارکردهای دین
۴۶	به امر قدسی بیش از اندازه بُعدی وجودشناختی داده شده است!
۴۶	هاله معنایی
۵۱	دیالکتیک نوسانی امر قدسی و امر غیر قدسی
۵۲	دگرگونی‌ها و کثرت‌یابی امر قدسی در جهان امروز
۵۴	ذات‌زدایی از امر قدسی
۶۰	فصل دوم: سیماهای فرضی دین ابتدایی

۶۰	روح اشیا
۶۰	طبیعت‌گرایی
۶۲	فتیشیسم
۶۵	جان‌انگاری
۶۷	پرستش ارواح نیاکان و کیش‌های مربوط به آنها
۶۹	چند مفهوم فتیشی: توتم، مانا، تابو
۶۹	توتمیسم
۷۲	مانا، نیرویی گمنام و پراکنده
۷۴	توتم‌ها و هیزه‌ها
۸۳	فصل سوم: نمای کلی از تاریخ انسان‌شناسی دینی
۸۳	مباحث ادیان
۸۳	نظریه روان‌شناختی - روان‌شناختی
۸۹	چشم‌اندازهای معنشی‌شناختی
۸۹	مکتب دورکیمی
۹۴	جریان وبری
۹۷	جامعه‌شناسی اعمال و فرایض کاتولیک در فرانسه
۹۹	نمادها و کارکردها
۹۹	روان‌کاوی و نمادها
۱۰۰	کارکردگرایی انگلوساکسون
۱۰۳	انسان‌شناسی دین در فرانسه
۱۰۵	چشم‌اندازهای گشوده‌شده توسط دومزیل و الیاده
۱۰۷	ملاحظات روش‌شناختی
۱۱۷	بخش دوم: باور به اساطیر
۱۱۹	فصل چهارم: رمزگشایی روایات اسطوره‌ای
۱۲۰	ویژگی‌های اصلی اسطوره
۱۲۰	روایت تصویری شده
۱۲۱	شیوه نمادی - استعاره‌ای
۱۲۲	چندمعنایی

فهرست مطالب ۷

۱۲۲	 بیرون از زمان
۱۲۳	 حوزه احساس
۱۲۴	 سوگیری معطوف به کنش
۱۲۴	 عقلانیت قوه خیال
۱۲۵	 تفاوت‌های موضوعی و سطوح دریافت
۱۲۵	 چند خوانش ممکن
۱۲۵	 خوانش روان‌کاوانه
۱۲۷	 خوانش ساختارگرا
۱۳۲	 خوانش کارکردگرا
۱۳۵	 خوانش رزمی
۱۳۸	 زمان‌مندی اساطیر
۱۳۸	 سوئی تاریخی
۱۴۱	 سوئی پویاگرا
۱۴۵	 اساطیر مدرن موجود و غایب
۱۵۶	 فصل پنجم: باورهای دینی: صورت و محتوا
۱۵۶	 پدیده باورداشتن
۱۵۶	 اعتقاد شخصی و درونی
۱۶۰	 گونه‌گونی باورها
۱۶۲	 محتوای متعالی باورهای دینی
۱۶۲	 خدایان و قدرت
۱۶۳	 درون‌مایه‌های اسطوره‌ای
۱۶۵	 کیهان‌زادشناسی‌ها و انواع خدایان
۱۶۷	 دریافت‌ها از انسان
۱۶۷	 شخص
۱۷۰	 جان و روح
۱۷۱	 اسطوره و منسک
۱۷۷	 بخش سوم: اعمال مناسکی
۱۷۹	 فصل ششم: نظریه‌هایی درباره مناسک

۱۸۰	تعاریف و طبقه‌بندی‌ها
۱۸۳	تفاسیر مربوط به مناسک
۱۸۴	ساختار، کارکرد، پویایی
۱۸۶	مناسک دینی، سیاسی و غیر قدسی
۱۹۰	فصل هفتم: پاکسازی و کفار
۱۹۰	مناسک پلشتی‌زدایی
۱۹۰	شرک‌جاست؟
۱۹۳	پاک‌شدن
۱۹۵	دعا
۱۹۵	آشک گوناگون
۱۹۸	چگونگی اجابت دعا
۱۹۹	گفته‌ای بنیادار دعا
۲۰۰	قربانی
۲۰۰	کشاکش آرا و نظریات
۲۰۲	قربانی مراسمی جهان‌شمول نیست
۲۰۳	نقش‌های سلسله‌مراتبی شده
۲۰۴	مراحل منسک قربانی
۲۰۶	حالت‌مندی‌های موقعیتی و فنی
۲۰۷	اهداف و انگیزه‌ها
۲۰۷	معانی قربانی
۲۰۸	اصول و قواعد تعریف
۲۱۲	فصل هشتم: جشن‌های زندگی و نشانه‌های آسمانی
۲۱۲	مناسک مربوط به مراحل مختلف حیات
۲۱۲	رازآموزی سن بلوغ
۲۱۵	مناسک تولد
۲۱۷	مناسک مرگ
۲۱۸	جشن‌های نوبه‌نوشدن اجتماعی
۲۱۸	امر دیونیسوسی جهان‌شمول نیست
۲۲۰	داده‌هایی پراکنده از فرهنگ‌های مختلف

۲۲۲	مناسک به مثابه نشانه
۲۲۲	غیب‌گویی
۲۲۶	آیین‌های تسخیرشدگی
۲۳۹	بخش چهارم: در حواشی دین
۲۴۱	فصل نهم: بازتفسیر جادو
۲۴۳	تفاسیر گوناگون
۲۴۳	نریه‌های خردورزانه
۲۴۵	نظریه‌های مبتنی بر عاطفه
۲۴۶	نظریه‌های بر امر اجتماعی-فرهنگی
۲۴۷	جادو دین
۲۴۹	متخصصان و سک
۲۴۹	جادوگر رازآموزه
۲۵۲	مناسک: شرایط، رده‌بندی
۲۵۳	معنای رفتار جادویی
۲۵۵	دنیای مدرن امر غیبی
۲۵۵	متغیرهای اجتماعی، صوری و علمی
۲۵۶	مواد و مصالح درهم‌گرایی
۲۶۴	فصل دهم: بازیابی سحر
۲۶۵	نشانه‌های توصیفی
۲۶۵	چهره‌های [دخیل در] سحر
۲۶۶	ویژگی‌های ساحران
۲۶۷	پیشگیری و مجازات
۲۶۸	سحر در اروپا
۲۶۸	عصر محکمه‌ها
۲۷۰	شایعات امروزی
۲۷۲	شیطان‌پرستی نوین
۲۷۶	سحر کهن و مدرن افریقایی
۲۷۹	منطق‌های تفسیر سحر

۲۷۹	تبیین‌های کارکردگرا
۲۸۰	نظریه‌های مربوط به بحران‌های اجتماعی
۲۸۱	اختلالات قوه خیال
۲۸۲	تفاسیر بحث برانگیز
۲۸۹	فصل یازدهم: بازفعال‌شدن شمنیسم
۲۹۰	توانایی‌های اکتسابی شمن
۲۹۰	خلسه یا عروج
۲۹۲	حرفه و رازآموزی شمنی
۲۹۶	فعال - های درمانی، معنوی و اجتماعی شمن
۲۹۶	فنون تر - شفادهنده
۲۹۷	رها - رراج دستیار
۲۹۹	شمن و جعه او
۳۰۲	شیفتگی به شمنیسم در زمان امروز
۳۰۲	آزمون‌های سخت و آسان شمنیسم
۳۰۴	جاذبه شمنیسم و ترویج‌شدن
۳۱۱	بخش پنجم: پویایی‌های دینی امروز
۳۱۳	فصل دوازدهم: راززدایی یا شور و هیجان دین؟
۳۱۴	جهان لانیسزه
۳۱۴	محدودیت‌های نظریه‌های سکولاریزاسیون
۳۱۷	ادیان عامه در حالت نهفتگی
۳۲۰	افول ادیان زادبومی
۳۲۲	سیلاب‌های سهمگین
۳۲۲	پیشروی ادیان بزرگ
۳۲۴	جنبش‌های جدید دینی و فرقه‌ها
۳۲۸	جریان‌های بنیادگرا
۳۴۴	فصل سیزدهم: دگردیسی‌های دینی در جهان سوم
۳۴۴	پیام‌آورگرایی‌ها و آیین‌های جدید
۳۴۴	پدیده‌هایی ضد فرهنگ‌پذیری؟

۳۴۹	بستر ظهور پیام‌آوری‌ها
۳۵۱	گونناگونی و گسترش موعودگرایی
۳۵۳	بازآمدهای اسطوره‌ای و مناسکی
۳۵۳	موضوعات اساطیر
۳۵۶	عناصر ثابت آیین‌های نوین در افریقا
۳۵۸	درهم‌گرایی
۳۵۸	فایندهای درهم‌گرایی
۳۶۲	درهم‌گرایی‌های گونه‌گون
۳۶۷	سست و یگانگی
۳۷۳	نتیجه‌گیری: دین و مدرنیته
۳۷۳	ویژگی‌های پست مدرنیته
۳۷۵	بحران کاتولیک
۳۷۷	نوسان باورها
۳۸۳	کتاب‌شناسی
۳۸۹	اصطلاح‌نامه
۳۹۳	نام‌نامه

دیباچه مترجم

کلود ریویر استاد و از دانشگاه‌های پاریس ۵، سوربن و رنه دکارت و پژوهشگر برجسته انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. وی همچنین آثار انسان‌شناسان پرآوازه‌ای مانند کلاود لوی و ادوارد ایونز-پریچارد را به جهان فرانسوی زبان ترجمه و معرفی کرده است. بیشتر دو کتاب او به‌اهتمام ناصر فکوهی به فارسی برگردانده شده است: *درآمدی بر انسان‌شناسی* (چاپ نخست، ۱۳۷۹) و *انسان‌شناسی سیاسی* (چاپ نخست، ۱۳۸۲)، که هر دو را نشر نی به چاپ رسانده است. کتاب پیش رو ترجمه کتاب *تجربگی* راوست با عنوان *جامعه - انسان‌شناسی ادیان*.

انگیزه ما از انتخاب این کتاب برای عرضه به خواننده فارسی‌نویسان به تفکیک زیان‌آور و نامیمونی برمی‌گردد که بسیاری از کنشگران در رشته جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در ایران میان این دو رشته قائل‌اند، هرچند در چند سال اخیر شاهد تحولی در این زمینه بوده‌ایم. به باور ما، این تفکیک بیش از این‌که سویه‌ای معرفت‌شناختی داشته باشد، ریشه در تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های کاذب آکادمیک دارد. این درست است که، مثلاً در حوزه دین، نخستین جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اهداف جداگانه‌ای را دنبال

می‌کردند؛ جامعه‌شناسان (مانند مارکس و وبر) عمدتاً به دنبال فهم تاریخی دین بودند، در حالی که انسان‌شناسان (مانند تایلور و فریزر) دغدغه کشف سرچشمه‌ها را داشتند و در اندیشه ارائه فهرستی از صور ابتدایی زندگی دینی (جان‌گرایی، توتمیسم، فیشیسم، پرستش ارواح نیاکان) بودند، اما در چند دهه اخیر این دو رشته از جهات مختلفی اعم از روش‌شناسی، ابزار و میدان پژوهش نوع رویکرد همگرایی‌های بسیار داشته‌اند. کاربرد فزاینده روش‌های کیفی مردم‌نگارانه (مشاهده مستقیم، مصاحبه، پرسشنامه، بررسی‌های اسنادی و غیره) در جامعه‌شناسی، گسترش حوزه پژوهش‌های انسان‌شناسی به جوامع شهری و روستایی (بازاندیشی) در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، که بیشتر برگرفته از رویکردهای انسان‌شناسی است، همگی بر وجود مرزهای بسیار نفوذپذیر این دو رشته دلالت می‌کند. ما از ضرورت تقسیم کار و تخصصی‌شدن حوزه‌های علمی که اقتضای حرفه‌ای شدن آن‌هاست ناگاه نیستیم، اما هم‌زمان، از وجوه اشتباهی آشکار یا پنهانی که به‌ویژه از سوی برخی صاحبان سرمایه نمادین (و مطمئناً برخی سرمایه‌های دیگر) بر کنشگران جامعه‌شناسی کشورمان وارد می‌آید غافل نیستیم؛ تلاش برای به‌حاشیه‌راندن انسان‌شناسی و مشغول کردن آن به پرسمان‌های ترف و معمولی که حتا خود پژوهشگران انسان‌شناسی (و مردم‌شناسی) در ایران نیز از آن کرده‌اند که جزو «طبیعت» این رشته است. افزون بر این، هنوز هم دوگانه‌های «هومی ابتدایی/ پیشرفته، پیش‌منطقی/منطقی، توسعه‌نیافته/توسعه‌یافته، روستایی/شهری و...» در عادت‌واره بسیاری از پژوهشگران میدان علوم اجتماعی تعیین‌کننده و قوی است.^۱ دل‌نگرانی ما هم این است که تفکیکی که از آن سخن می‌گوییم نه تنها این دو رشته را از غنای منابع نظری و تجربی یکدیگر محروم سازد، بازتولید سازه‌های اجتماعی دوگانه‌انگاری را که بدان اشاره کردیم دامن زند که نتیجه‌ای جز عقیم‌سازی علوم اجتماعی نخواهد داشت. عنوانی که نویسنده

برای کتاب حاضر برگزیده و روش و رویکرد او در نگارش آن، فراخوانی است به نگاه مکمل و همگرای دو رشتهٔ انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. همان‌گونه که وی در پیش‌گفتار اشاره می‌کند، در جهان کنونی که جوامع سنتی و مدرن تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیاز به تغییر را ضروری کرده است، دیدگاه‌های فروبنستهٔ پیشین ناتوان از فهم این دگرگونی‌ها و بازترتیب‌بندی‌هاست. تنها در پرتو نگاهی همگرا میان انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که می‌توان به شناخت باورها، مناسک و رفتارهای دینی در جوامع امروز رسید.

کتاب پیش‌رو - فصل سلسله درس‌ها و کنفرانس‌های پروفیسور ریویر در دانشگاه سوربن است - در توسط انتشارات ارمان کولن^۲ در فرانسه به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند ضمن ارائهٔ فشرده‌ای از نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ادیان و رویکردهای بنیادین این دو رشته، به بیان دستاوردهای روشنی جدید دربارهٔ امر دینی بپردازد که از بسترهای بسیار گوناگون اجتماعی-فرهنگی گزینش کرده است. از این رو، وی پس از معرفی آرا و نظریات اندیش‌مندان کلاسیک (دورکیم، وبر، اتو، فریزر، کایوا، موس، الیاده، لوی-استروس، باست، روه‌ریل و...)، برای فهم بهتر گونه‌گونی و پیچیدگی روزافزون بروز و نمودهای دین در جهان امروز، چارچوب‌های تحلیلی نوینی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد.

کتاب از پنج بخش تشکیل شده است. ویژگی مشترک تمامی بخش‌ها چشم‌انداز گسترده و در عین حال سنتتیک به موضوعات مورد بحث چه در جوامع سنتی و چه در جوامع مدرن است. بخش نخست به میدان ویژهٔ انسان‌شناسی دین اختصاص یافته که دل‌مشغولی نخستین آن شناخت «سرشت» دین در جوامع موسوم به جوامع ابتدایی بوده است. نویسنده در همین بخش به سراغ نظریه‌های انسان‌شناسی مدرن و مفهوم‌سازی‌های آن در زمینهٔ امر

قدسی، دین، جادو، اسطوره و منسک می‌رود. همچنین بر نقش تعیین‌کننده آثار جامعه‌شناسان (و در رأس آن‌ها دورکیم و وبر) در ره‌اندیدن انسان‌شناسی از دریافت‌های کم‌وبیش انحصاری فلسفی و روان‌شناختی در زمینه امر دینی انگشت می‌گذارد. موضوع بخش دوم جایگاه و کارکرد اسطوره در بسترهای اجتماعی-تاریخی آن است. وی همچنین خوانش‌های روان‌کاوانه، ساختارگرا، کارکردی و مردم‌شناختی اسطوره را یادآور می‌شود. در بخش سوم نویسنده به کاوش در مناسک می‌پردازد که داو کانونی آن، به‌زعم وی، مسئله شر و موضوع پاک است. او دعا، گونه‌های مختلف قربانی (پاک‌کننده، قداست‌بخش، کفاره‌ای...)، مناسک مربوط به مقاطع چندگانه زندگی و مرگ و نیز مناسک تسخیرشدگی و نیب‌دربی را با اتکا به نمونه‌هایی فراوان از گستره‌های بس گوناگون اجتماعی-تاریخی و با اتخاذ رویکرد هم‌زمانی و درزمانی بررسی می‌کند. بخش چهارم به پدیده‌ای بسیار متنوعی که در حاشیه دین یافت می‌شوند اختصاص یافته است، بند جادو در جوامع مدرن و رشد باورهای بازترکیب‌بندی‌شده در زمینه غیب‌گرایی، باطن‌گری، سحر و شمنیسم. نویسنده در بخش آخر هم تأملات خود را بر باوره و باورهای نوپدید (عصر جدید، «سحابه‌های رازروانه-باطنی»، بریکولاژ روح-روانی، دگردیسی‌های دینی در کشورهای جهان سوم) متمرکز می‌کند. «این کار را با پرسش از نظریه «افسون‌زدایی جهان» در دوران مدرن و در بستر استوار ریزاسیون انجام می‌دهد و سپس توجه خود را مشخصاً به نوبه‌نوشدن، افسون‌زدگی در بستر نوین تاریخی، دگردیسی‌هایی در بروز و نمودهای امر دینی (آیین‌های جدید، پیام‌آورگرایی‌ها، موعودگرایی‌ها) و پدیده مهم درهم‌گرایی، که در نقاط مختلف گیتی در حال رخ‌دادن است، معطوف می‌دارد. و در پایان، ضمن اشاره به تغییر و تحولات و نوسان‌هایی که در حوزه باورها و اعمال دینی در جوامع غربی در

جریان است، دیدگاه خود را درباره نسبت میان دین و مدرنیته و نیز سرنوشت دین در دنیای پست مدرن بیان می‌کند.

کتاب پیش رو نقاط قوت فراوانی دارد؛ از جمله، بیان روان، روشن و آموزشی آن، گردآوری حجم گسترده‌ای از داده‌های میدانی قدیمی یا جدید و بررسی آن‌ها در پرتو انبوهی از نظریه‌های کلاسیک و مدرن انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، کاوش در موضوعات اصلی انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین، در ظرف و زمینه‌های بسیار متفاوت تاریخی-فرهنگی و کوشش در جهت فهم تنوع و سیر تحولی آن‌ها، دغدغه رودررو قراردادن رویکردها و نظریه‌ها، مربوط به امر دینی، شناخت دستاوردها و در عین حال نشان‌دادن کاستی‌های هر یک از این رویکردها و نظریه‌ها، دقت و ظرافت در معرفت‌شناسی باورها و اعمال دینی، مدل‌سازی مناسک، واکاوی جادو و سحر، و گشایش مسیرهای جدید، پیش به فراخور دگرذیسی‌های رخ داده در میدان دینی. این کتاب همچنین حاوی کتاب ارزنده فراوانی، فراسوی حوزه دین، برای پژوهشگران رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی است. بدون تردید، نه تنها علاقه‌مندان به گرایش‌های دیگر دین در رشته، همانند معرفت، سیاسی و پزشکی، نکات درخوری را در آن خواهد یافت، بلکه پژوهشگران رشته‌هایی همچون فلسفه، علوم سیاسی و روان‌شناسی نیز به دلیل دیدگاه میان‌رشته‌ای نویسنده، می‌توانند از یافته‌های آن بهره فراوان ببرند.

در کنار قاب‌هایی که کلود ریویر به فراخور مقولات مورد بحث در متن کتاب فراهم آورده است و نیز افزودن اصطلاح‌نامه، ما نیز کوشیده‌ایم تا حد ممکن با پی‌نوشت‌های لازم و متعدد (همه پی‌نوشت‌ها از مترجم است) و همچنین تهیه نمایه‌ای از افراد و گروه‌های قومی و معرفی کوتاه آن‌ها در پایان کتاب به فهم بهتر مطالب کمک کنیم. ضمناً اثر دیگری که چندی پیش تدوین، ترجمه و وارد بازار نشر کردیم^۲، در تکمیل برخی آرای موجود در کتاب پیش

رو بسیار سودمند خواهد بود، چنان‌که نویسنده بارها در این کتاب به آرای برخی از نویسندگان اثر مذکور استناد کرده است.

شیراز، بهار ۱۳۹۷

علیرضا خدای

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

پی‌نوشت‌ها

۱. فیلیپ کورف ازبرد ما هیم دوگانه‌انگار را عمدتاً میراث فلسفه می‌داند که سنت پژوهشی علوم اجتماعی را گرفتار خود کرده است. نگاه کنید به: جامعه‌شناسی‌های نوین بین امر جمعی و امر فردی ترجمه علیرضا خدای، تهران: انتشارات کتاب آمه، ۱۳۹۲، صص ۱۶-۱۹.

2. Armand Colin

۳. دین در جوامع مدرن (مقالاتی در جامعه‌شناسی دین)، دانیل ارویو-لژه، ژان-پل ویلم، پی‌یر برشون و دیگران، گردآورنده و مترجم علیرضا خدای، نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۹۵.

پیش گفتار

همه ما یقیناً دریافتی از من دارم، اما چگونه دریافتی و از چه دینی؟ برای بسیاری از غربی‌ها دین دیگر - بدان معنی ندارد. این گفته در مورد یک افریقایی یا یک سریلانکایی صدق نمی‌کند. از دید یک فرد معتقد یهودی، مسیحی، مسلمان و هندو در کتب مقدس اسطوره‌ها وجود ندارد؛ این کتب چیزی جز حقیقت نیستند، تو گویی اسطوره شیوه‌ای برای صورت‌بندی آنچه ما حقیقت می‌دانیم نیست. هنگامی که نوشته‌های لوی-اسریم را می‌خوانیم درمی‌یابیم اسطوره‌های مردمان به اصطلاح وحشی از اسطوره‌های یونان و روم باستان، که انسان‌گرایان^۱ لحن ستایش‌آمیزی درباره آن‌ها دارند، مضحک‌تر نیست. با وجود این، زمانی که به فرهنگ‌هایی متفاوت با فرهنگ خودی می‌نگریم، آن‌ها به سرعت به طرح این پرسش نمی‌رسیم که تنوع صور دینی با مفاهیمی مثل امر حقیقی، امر نیک^۲، امر زیبا^۳ مطابقت دارد، یعنی همان مفاهیمی که در نظر افلاطون و ارسطو همبسته یکدیگر و متعالی‌اند؟ آیا یک سرشت [واحد] امرِ الهی وجود ندارد که بتواند گوناگون‌ترین باورها را در خود جای دهد؟ به امید روزی که فیلسوف یا یزدان‌شناس^۴ بتواند پاسخی قطعی برای این پرسش بیابد!

پرسش‌های راهنما برای یک طرح پژوهشی

[پیش از هر چیز] مسئله‌ای هست که باید بسیار محتاطانه به آن نزدیک شد. اگر گفتن این‌که «دین من بر حق است» و یا «شاهد تجلی خدا بوده‌ایم» (در همه ادیان وحی، تجلی، معجزه، خلصه و... وجود دارد) یاوه است، به همان اندازه هم باور به این‌که «دین توده‌ای سحابی [شکل] ایدئولوژیک است که جردگرایی و فناوری پیشرفته آن را نابود خواهد کرد» بی‌معنی است، تو گویی سده بیست و یکم فرجام تاریخ علمی و فناوریانه است و علم فهم هر آنچه وجود دارد، از جمله تمام گزینش‌ها و کنش‌ها، را میسر کرده است.

آیا... و رشت اموری ثابت و غیر قابل تغییرند؟ هر دینی سستی دارد که اقتداری متعالی بر آن قائل است. اما هر سستی، از آن‌جا که [خاستگاهی] انسانی [دارد]، می‌تواند از گاری‌ها، بازآفرینی‌ها و بازتفسیرهای عمل‌گرایانه فعال و آفرینش‌گرانه‌ای را مسبب شود؛ سستی که پیوسته درگیر بازی زیرکانه‌ای با [دوگانه به ظاهر متضاد] این‌ها و پویایی است.^۶ سنت‌ها به مثابه خاطره جمعی عمل می‌کنند، اما با انبانی پر از نشانه‌ها و ماده‌هایی که به شیوه‌ای گزینشی دائماً بازیابی و دستکاری می‌شوند و/یا بازفراوانی خود را از سر می‌گیرند.

در دنیای مدرن به همان میزان که ادیان در مواجهه با هم قرار می‌گیرند، افراد نیز به این گرایش دارند که دلبخواه‌های آن‌ها به نشانه‌ای از امر قدسی می‌انگارند برگزینند. دیگر ارجاع به ساحت متعالی با ساحت عالی دینی یکی گرفته نمی‌شود. خرده‌گروه‌هایی که در جست‌وجوی رستگاری هستند، از طریق متون، گفتارها، اعمال، مکان‌ها، بناها، امکانات مادی و یا اشخاص، ساحت‌هایی متعالی در مقیاسی کوچک می‌سازند؛ ساحت‌های فردگرایانه و یا ساحت‌های متعالی میانه‌حال (دین‌ورزی‌های عرفی، مردمی، سیاسی) که پاسخگوی نیازهای معنوی‌اند. در عین حال، این خرده‌گروه‌ها نوعی کثرت‌گرایی^۷ را در امر باورد داشتن^۸ به نمایش می‌گذارند که آرمان‌شهر^۹ نیز در آن جایگاهی دارد، مگر

این‌که خداناباوری^{۱۱} و تعلق خاطر به علم یا فلسفه عصر و زمانه حجابی شود بر جست‌وجوی بی‌انتهای معنای زندگی. آیا همان‌گونه که دانیل اریو-لژه^{۱۲}، با یادآوری نکته‌ای از ژان سِگی^{۱۳}، مطرح می‌کند، بهتر نیست به جای این‌که امر دینی را رسوبی و رو به تقلیل بینگاریم، چیزی که جامعه‌شناسان دینِ ضمنی یا دینِ استعاری می‌نامند، از دستگاه ساختاریبخش امر دینی مدرن^{۱۴} سخن بگوییم؟ کانون توجه بخش دوم، آخر کتاب حاضر بر پویایی‌های دینی جهان معاصر متمرکز خواهد بود. اما پیش از آن، در بخش نخست، کوشش ما تدقیق در معنای واژه‌های «دین» و «امر قدس» خواهد بود. برای این کار با تأملات بسیار در تجربه زیسته امر دینی، تجلدات آن و نیز تزه‌های اولیه انسان‌شناسان دربارهٔ اصیل‌ترین شکل این تجربه — که همان ریزش ساده‌ترین آن نیز هست — به تشریح آنچه امر دینی قلمداد می‌شده است می‌پردازیم.

در بخش دوم، بُعد قدسی باورها را شرح می‌شود و محتواها و خوانش‌های ممکن در این زمینه که در قالب گزرها، عقاید، گرایش‌ها و اسطوره‌ها بروز می‌یابد بررسی می‌شود.

بخش سوم به کاوش در رفتارهای مناسکی آیین‌های گوناگون اختصاص دارد. هدف از این کار تمهید نظریه و تمرکز بر چند نوع مهم‌تر از این رفتارهاست، مثلاً دعا، قربانی، رازآموزی، غیب‌گویی و تسبیح.

در بخش چهارم، کنکاش در پدیده‌های جادو، سحر، شمن‌ها و دین در دنیای مدرن جانی دوباره گرفته و انسان‌شناسی به بازتفسیر آن‌ها پرداخته است. ما را به مطالعه آنچه حواشی دین نامیده می‌شود ترغیب می‌کند و این در شرایطی است که بیشتر این رفتارها به ریشهٔ ادیان سنتی و حتا باورها و سلوک امروز ما رسوخ کرده است.

در بخش پنجم، که آخرین بخش است، وضع و حال جهان امروز بررسی می‌شود. آیا لائیسزاسیون جهان امری است گریزناپذیر؟ اگر آری، به چه

شکل؟ آیا با ادیان عامه نهان یا عقب‌نشینی برخی ادیان سنتی مواجه هستیم و یا با سیل بنیادگرایی^{۱۴}، فرقه‌گرایی^{۱۵} و یا پیام‌آورگرایی^{۱۶} و آیین‌های^{۱۷} نوپدید؟ چگونه بسترهای موعودگرایی^{۱۸} و درهم‌گرایی^{۱۹} فراهم شده و نشو و نما یافته است؟ چه نوع موعودگرایی و درهم‌گرایی؟ چرا؟ چگونه؟

علت این که کتاب حاضر را جامعه - انسان‌شناسی ادیان نامیده‌ایم - هر چند در اصل این کتاب به انسان‌شناسی دینی^{۲۰} مربوط می‌شود - این است که می‌خواهیم با عزمی جزم غبار از چهره انسان‌شناسی ادیان^{۲۱} به سبک و سیاق گذشته و پرسش‌های به‌غایت مناقشه‌آمیزش بروسیم، چرا که چندین دهه است در جای‌جای ادیان به اصطلاح سنتی و قومی و ادیان جهان‌گرا^{۲۲} رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند که حاصل آن بده‌بستان‌ها و اثرگذاری‌های متقابل بوده است، چنان‌که مروجان فرهنگ برای فهم کیش امپراتوری روم و ژاپن باستان، و نیز فهم و ادراک مراسم قربانی، آفرینی، افریقای، اسطوره‌های سرخ‌پوستان آمریکایی و اسطوره‌های یونانی، غیب‌یابی^{۲۳} و باطنی‌گری^{۲۴} زمین‌خوان^{۲۵} مون‌دانگ^{۲۶} و خانم خورشید^{۲۷} از ابزار [مفهومی] مشابهی بهره می‌گیریم. باز ترکیب امر دینی در یک فضای بسته روی نمی‌دهد. رویکرد ما در این کتاب نوگرا، مقایسه‌ای و نقادانه است. این رویکرد داعیه به چالش کشیدن برخی حصاربندی‌های رشته‌ای را نیز دارد.^{۲۸}

پراکندگی رشته‌ای در علوم ادیان

رشته‌های بسیاری به امر دینی می‌پردازند. از این رو بهتر است جایگاه رویکردمان را نسبت به این رشته‌ها مشخص کنیم:

- انسان‌شناسی دینی به توصیف، احصا و طبقه‌بندی پدیده‌های دینی بسنده نمی‌کند؛ دین را به‌منزله بخشی از فرهنگ در نظر می‌گیرد و می‌کوشد شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های دینی را در جوامع گوناگون توضیح

دهد، بدون این‌که برای نهاد تک‌خدا انگار^{۲۹} که قالب وجودی اذهان غربی را شکل داده است امتیازی قائل باشد. انسان‌شناسی خود را به عهد باستان و یا جهان سوم محدود نمی‌کند، بلکه به کنکاش در مناسک نیالی، اسطوره‌های مردمان پاپو^{۳۰}، شمن‌های^{۳۱} سیری و جن‌گیران^{۳۲} منطقه بروتانی^{۳۳} [در فرانسه] نیز می‌پردازد. کانون توجه این علم تا مدت‌ها جوامع کوچک، کم‌واد و گاه باستانی بود که در آن‌ها امر قبیله‌ای با امر دینی اغاب درهم تنیده است. انسان‌شناسی دینی آشکارا اطلاعات، دیدگاه‌ها و روش‌های خود را با رشته‌های علمی مشابهی که همگی آغازگر فهم امر دینی بوده‌اند مبادله می‌کند.

• جامعه‌شناسی دینی بدان‌گونه که ماکس وبر آغازگر آن بوده است، ادیان دارای کتاب را، به‌ویژه در تمدن‌های بزرگ، بررسی می‌کند. به گاه با جست‌وجوی کمی باورها، اعمال، اشکال سازمان دینی در جوامع پیچیده و شهری شده نیز همراه است.

• تاریخ ادیان، که آغازگر آن تطوری‌گرایی سازه‌نوع هم بود، به مطالعه و مقایسه نهادها، باورها و آیین‌ها در گستره زمان و مکان می‌پردازد. این شاخه از علم سیر پیشرفت تاریخی ایده‌ها و ساختارهای دینی را مطرح نمی‌کند. قرار می‌دهد. تاریخ ادیان گنجینه‌ای است از تجارب گذشته و حال که انسان‌شناس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

• روان‌شناسی دین، که شامل تفسیرهای روان‌کاوانه نیز می‌شود، به پدیده‌های دینی در امر وجودی^{۳۴} توجه می‌کند: شیوه‌های بروز امر قدسی در انسان بر حسب سن، جنسیت یا شخصیت پایه، گوناگونی تعلقات، تجربه عاطفی مناسک و...

• پدیدارشناسی ادیان، از این اصل آغاز می‌کند که انسان امر قدسی را سرچشمه

تحول درونی احساس می‌داند. امر قدسی عینیتی بیرون از انسان نیست، بلکه گواهی است بر پیوند با نوعی نیروی برتر که بر آگاهی سلطه یافته است؛ نیرویی که به آن عشق می‌ورزیم، از آن می‌هراسیم و برای آن احترام قائلیم.

• فلسفه دین انسجام منطقی نظام‌های دینی گوناگون را مطالعه و در نظریه‌های تبیین‌کننده تأمل و درنگ می‌کند: معنای واژه‌های کلیدی، تکرار مضمون‌ها، انواع استدلال‌ها و برهان‌ها، اثرات یک شیوه فکری بر فرد مؤمن و گروهی که این فرد جزوی از آن است.

• یزدان‌شناسی ادیان توحیدی خود را به مثابه علمی هنجاری معرفی می‌کند که مقید و محدود به روابط ایمان است، ایمان به حقیقت مُنزَلِ آن از سوی خداوند. این یزدان‌شناسی خود را انحصاری می‌پندارد؛ یعنی هر نوع دین دیگری را نفی می‌کند و به پرسش «چه چیز باید باور داشته باشیم؟» پاسخ می‌دهد. آنچه در یزدان‌شناسی غالب است، تفاسیر آن در لحظه‌ای معین در یک دین است که به نحوی بایسته حکم تکفیر^{۳۵} صادر و علیه کفر آن‌گونه که می‌اندیشد مبارزه می‌کند.

احتیاط‌های لازم برای خوانش کتاب: ما در این کتاب ضمن بررسی دوباره شکل‌گیری گرایشی از انسان‌شناسی که شناخت اشکال عامه و شگفت‌انگیز ادیان را وجهه همت خود قرار داده است، سعی می‌کنیم از این نگرش رایج در جهان غرب دوری جویم که در هنگام مطالعه دین، ارزش بیش از اندازه برای همگنی جماعتی^{۳۶} قائل می‌شود. ما بر نکات پژوهشی جدیدی پافشاری می‌کنیم: دین بیش از آن‌که از جنس باور باشد، تجربه است، یعنی اعمال دینی روزمره و شیوه اثرگذاری باورها بر زندگی باورمندان.

ضرورت نگارش کتابی سنتتیک متناسب با قالب آن می‌طلبد که تا حد امکان ایده‌ها و مثال‌ها را فشرده کنیم، چشم‌انداز تاریخی کوتاهی از این رشته

ارائه دهیم، مثلاً موضوعاتی را که برای فهم اسطوره‌ها و مناسک اساسی‌اند کنار بگذاریم — به‌ویژه جنبه نمادین آن‌ها را (خوشبختانه واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های فراوانی درباره این موضوعات یافت می‌شوند که از چارچوب امر دینی بسیار فراتر می‌روند)، و بسنده کنیم به چند سطر مختصر و مفید برگرفته از کارهایی که در هزاران صفحه کتاب و نشریه بیان شده‌اند.

شاید بیان این نکته عجیب به نظر برسد، اما می‌خواهم همین‌جا به خواننده‌تان درباره کج‌فهمی‌ها و یا خوانش‌های نخنما و بی‌موردی که ممکن است از سخنان من یا همکارانم صورت دهند هشدار دهم. به‌ویژه از آنانی که می‌خواهند مباحث را به‌صورت عمیق‌تری دنبال کنند تقاضا می‌کنم خود را درگیر ایده‌ها و افکار من نگردانند. به آن‌ها ارائه می‌شود نکنند و هرگز این ایده‌ها و افکار را قطعی نپندارند. درک در دانش برای همیشه به رویشان بسته خواهد ماند و از سطح معینی فراتر نخواهند رفت (دانش فرو بسته بدترین نوع توهم است). من [در این‌جا] فقط وضعیت دانش انسان‌شناسی را در برهه‌ای معین از تاریخ بیان می‌کنم، اما از شما درخواست می‌کنم نقدهای احتمالی‌تان را با دلایلی همراه کنید که پشتوانه‌شان مشاهدات واقعی و چند باره باشد و نه افکار فانتزی، داده‌های مقطعی و گزینش‌های دیکته‌شده ناشی از وابستگی [به این یا آن طرز فکر یا نظریه].

هر تعریفی فشرده و ساده‌کننده است و هدفی آموزشی دارد. تعریف معمولاً این نقیصه را دارد که میدان [پژوهش] را محدود می‌کند، که این [الله] هم به شکلی جزئی روی می‌دهد، زیرا گویای همه چیز نیست، و هم صورتی جانبدارانه دارد، چرا که الگویی را از الگویی دیگر برتر می‌داند. دعا نباید صرفاً مطابق الگوی مسیحی فردریش هایلر^{۳۷} تعریف شود؛ روزه باستید^{۳۸} این موضوع را در فصلی از کتاب *امر قدسی وحشی*^{۳۹} نشان داده است. اگر مقدماً و به‌طور دقیق امر جاذب، دلهره‌آور و پر رمز و راز را شناسیم (و این که چگونه

این سه با یکدیگر قرین می‌شوند)، خود امر قدسی با تعاریفی که رودلف اتو^{۴۰} پیشنهاد داده جور در نمی‌آید. اگر تعاملات و تبدلات چندگانه‌ای که جلوی مرزبندی‌های نفوذناپذیر بین امر قدسی و امر غیر قدسی را می‌گیرند وجود نداشتند، نمی‌توانستیم امر قدسی را کاملاً در برابر امر غیر قدسی قرار دهیم، همان‌گونه که [انسان‌شناسان] مدرن در مواجهه با دورکیم آن را یادآور می‌شوند. دو معنا از امر قدسی آن را به مفهومی شناور تبدیل می‌کند: آنچه از بیرویی الاهی آکنده است و آنچه انسان حق ندارد در آن دخل و تصرف کند. ^{۴۱} «نیم کاسه» که به باور اولیویه ارن اشمیت^{۴۲} فقط در هند وجود داشته، مبتنی است بر ایندوایزم پاکی^{۴۳}، اما تُل تَمَری^{۴۴} ثابت کرده است که کاست‌های فراوانی در جوامع متعدد وجود داشته‌اند که فواصل اجتماعی و مفاهیم پاکی و ناپاکی را به‌گونه دیگری نمایش می‌گذاشته‌اند. بسیاری از جامعه‌شناسان سنخ آرمانی^{۴۵} وبری را دژری کرده‌اند. تسیرناپذیر، حال آن‌که از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی خدا از باستانی‌ترین ادیان تا جدیدترین ادیان بسیار تغییر کرده است؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی دین [که انسان‌شناس یا جامعه‌شناس می‌سازد] اغلب همانی است که بدان دلبستگی داریم. آن‌ها از یاد برده‌اند که بسیاری از ادیان فاقد سازمان سلسله‌مراتبی و مشخصی هستند که بر اعتقادات جزئی، اخلاق و مناسک نظارت داشته باشد؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی صرفاً محصولی ناپایدار مبتنی بر انتخاب برخی از معیارهاست که نزد کسی از آن را بر ساخت می‌کند اساسی پنداشته می‌شود؛ آن‌ها از یاد برده‌اند که سنخ آرمانی پیوسته بازبینی می‌شود، زیرا معلوم شده آن‌چه درباره امر دینی مثلاً تمثیلی و یا استعاری انگاشته می‌شده است در گذر زمان سوبه‌ای بنیادی‌تر از آن‌چه تصور می‌شد دارد.

وانگهی، ریشه‌شناسی تنها به فلان فرهنگ یا فلان دوره تاریخی زبان ارجاع می‌دهد (مثلاً هندواروپایی، یونانی، رومی، عربی)، همان‌گونه که درباره اسطوره‌ها و مناسک خواهیم دید. پاپ، حتا به زبان رومی، دیگر

به معنی سازنده پلی که دو طرف رودخانه را با فنونی جادویی به یکدیگر متصل کند نیست، و این برخلاف چیزی است که روزه کایوا^{۴۶} می‌گوید. درباره منشأ نهادی مانند دین، هر کس آن را به سیاق خود تصور می‌کند و در صورت نبود دلایل تاریخی آن را بازترکیب می‌کند، که نتیجه آن تفاسیر گوناگون تطورگرایان، مردم‌شناسان و روان‌کاوان است. تطورگرایان تاریخ را در جبهه‌تی واحد و گریزنایذیر ترسیم می‌کنند، مثلاً مطابق مراحل [سه‌گانه مشرک، ریزر] جادو/دین/علم؛ روحانیون خود را مجاز می‌دیدند عقل سلیم را بر اساس دین خود تعریف کنند و هر چیزی غیر از آن را (مانند خرافه و جادو) غیر عقلانی بدانند. این در حالی است که این به اصطلاح امور غیر عقلانی از منظر کسانی دیگر عقلانی هستند و به زندگی آن‌ها معنا می‌دهند؛ به همان اندازه عقلانی هستند که اعتقادات، رمز و رازها، معجزات، تأثیر اجرام سماوی و یا تمثیلات را می‌پسند.

همچنین تلاش می‌کنیم سنخ‌شناسی^{۴۷} و خان‌شناسی‌ها^{۴۸} و دسته‌بندی‌هایی را به دست دهیم. این که آن‌ها را ابزاری اندیشگانی بکاریم که به‌ندرت طیفی از پدیده‌های قابل مشاهده را در بر می‌گیرند بستگی به منجه‌هایی دارد که اغلب جزو ناگفته‌های طبقه‌بندی است. همه الگوهای غرض‌مند در گذر زمان زنگار خواهند گرفت، حتا جدول گیاه‌شناختی لینه. آنچه در این الگوها بدان ارج می‌نهند — مانند فلان یا بهمان عنصری که [در شرایط معمول] اصل و اساسی فرض می‌شود — نسبی می‌شود و مانند خورشید مصر باستان رنگ می‌بازد. با گذشت زمان، بسیاری از مناسک به فرهنگ عامه تبدیل می‌شوند. به‌زعم ترولچ^{۴۹} یا قدیس یوحنا صلیبی^{۵۰} روح تسخیرکننده شمنیستی رودرروی عرفان قرار می‌گیرد. نبوغ مسیحیت^{۵۱} شاتوبریان معادل خود را بعدها در کتاب نبوغ پرستش ارباب انواع^{۵۲} مارک اوژه می‌یابد. آن‌هایی که از امر قدسی بالنده

سخن می‌گویند نباید از نبود جوش و خروش منسک‌گری^{۵۲}، جست‌وجوی امر عاطفی در امر قدسی متفاوت، یعنی امر قدسی عصر جدید^{۵۳}، بودائیسیم با کاربردی غربی و یا کیش کالبد^{۵۴} چشم‌پوشند. و مدافعان سکولاریزاسیون یا قدسی‌زدایی^{۵۵} باید دستگاه به اصطلاح نظری خود را بر حسب کشور و زمان مورد مطالعه حکم و اصلاح کنند.

می‌بینیم که وسوسه طبقه‌بندی واقعاً وجود دارد، اما آیا این موضوع به معنای این نیست که همه ما از طبقه‌بندی به‌ویژه برای به‌سخره‌گرفتن چیزی که خوشایندمان نیست استفاده می‌کنیم؟ در حالی که سده هجدهم چهره خرافات را برای مگان‌ساز کرد، و در حال حاضر از [نام] فرقه به‌عنوان برجسته‌نخ‌نما و یا مترسکی که فاجعه‌ای قریب الوقوع خبر می‌دهد استفاده می‌شود، نباید از یاد ببریم که فلاسفه بهمان مذهب که احياناً دلبستگی و باورمان را به آن اعلام می‌کنیم، در آغاز شکرگس‌اش توسط رومی‌ها و نیز یهودیان فرقه خوانده می‌شد، بدین دلیل که [همان‌گونه] که از ریشه واژگانی این کلمه پیداست [از سرچشمه خود (secare) بریده بود]^{۵۶}. این اتفاق در زمانی در حال وقوع است که شاهد افزایش گروه‌های پنتیکاستی^{۵۷} در سراسر جهان هستیم، گروه‌هایی که خود را زندانی ایده‌های خویش نمی‌سارند، دیگر گروه‌ها را طرد نمی‌کنند و خود را فقط کلیساهای نوین مسیحی می‌خوانند.

در چاپ جدید کتاب حاضر که بازبینی و اصلاح شده، صفحات جدیدی درباره جامعه‌شناسی اعمال دینی، جنبش‌های دینی معاصر، پیوندهای میان دین و مدرنیته افزوده شده است. به جبران این افزوده‌ها، مجبور شدیم چندین قسمت مربوط به مناسک و به‌خصوص بررسی نهایی را که در ویراست قبلی ذیل عنوان «دین و جامعه سیاسی» مطرح شده بود، حذف کنیم. این انتخاب بدین خاطر بود که تمامی بخش چهارم کتاب *انسان‌شناسی سیاسی*^{۵۸} با تدقیق بیشتری به مناسبات میان «قدرت و امر قدسی» اختصاص دارد.